مخالفت پلیس با کاهش مجازات مجرمان موادمخدر

رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر ناجا خواستار تجدید مجازات مجرمان موادمخدر در قانون شد.

سردار مسعود زاهدیان در گفت‌وگو با ایسنا درباره احتمال کاهش مجازات مجرمان موادمخدر نظیر قاچاقچیان و خرده‌فروشان بیان کرد: در گذشته وقتی قانونگذار برای مجرمان موادمخدر قانون را تدوین کرد، واقع‌بینانه با موضوع روبه‌رو و این قانون تدوین شد، چراکه این افراد سلامت جامعه را به خطر می‌اندازند و باید مجازاتشان سنگین‌تر از چیزی که هست بشود، نه این‌که تقلیل پیدا کند. وی با تاکید بر این‌که ما اینجا نباید با این جرایم خوش‌بینانه برخورد کنیم، تصریح کرد: حتما مجازات‌های سنگین برای جرم خرید و فروش موادمخدر بازدارنده است و جامعه را واکسینه می‌کند. امیدواریم افرادی که این مسائل را دنبال می‌کنند حتما به این مساله مهم توجه کنند. زاهدیان افزود: ما نظراتمان را گفته‌ایم، اما افرادی که دنبال این موارد هستند بعضا به دلایلی توجیه‌پذیر نیستند.

مرگ تلخ ۲ کارگر شهرداری در تصادف

استقبال مرگبار از بهار

فاطمه شیخ‌علیزاده
گروه حوادث

دو مامور شهرداری مریانج همدان، هنگام انجام پروژه شست‌وشوی جدول‌های کنار خیابان در تصادف با یك نیسان وانت جان خود را از دست دادند. رسیدگی به روند قضایی پرونده در حال انجام است.

مرتضی قلعه

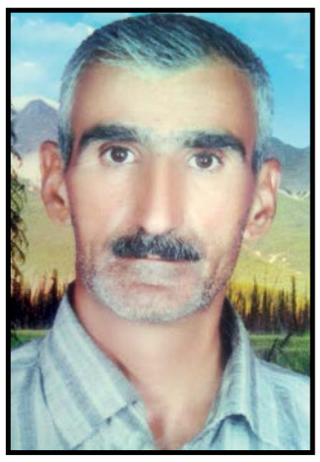

محمد اقبالی

نامش شب سال نوست اما از حدود یك ماه قبل از تحویل سال نو، تکاپو در خیابان‌ها و شهرها آغاز شده است. در خیابان که راه می‌رویم از تصویر شهروندان در قاب پنجره‌های خانه‌هایشان، در حال نظافت شیشه‌های خانه‌ها گرفته تا نظافت خیابان و معابر و نرده‌ها توسط ماموران شهرداری؛ همه و همه حکایت از رسیدن بهاری دیگر و یك جشن باستانی دارد. برای خانواده‌های قلعه و اقبالی اما ماجرا رنگ و بوی دیگری دارد. امسال در حالی که عزیزانشان از اولین افرادی بودند که برای پاشیدن عطر تازگی و نظافت به شهر دست به کار شده بودند، داغدار آنها هستند. همه ماجرا از زمانی آغاز شد که شهرداری مریانج همدان پروژه نظافت معابر شهری را آغاز کرد. فرجی، پیمانکار شهرداری که مدیریت این پروژه را عهده‌دار بود و در صحنه تصادف حضور داشت در گفت‌وگو با جام‌جم اظهار کرد: «کار شست‌وشوی جدول‌ها به تازگی آغاز شده بود. این پنجمین سال بود که پروژه نظافت شهری شب عید را به گروه پیمانکاری ما می‌سپردند و با تیم عملیاتی، کار را آغاز کردیم. روز حادثه کارگران ما مشغول کار در بلوار میدان کربلای همدان بودند که منتهی به مریانج است. طبق روال معمول برای رعایت ایمنی سه پرچمدار با فاصله ۸۰ متر از هم در محدوده کار کارگران ایستاده بودند و چند کله قند پلاستیکی هم کنار بلوار کار گذاشته بودیم. نزدیك ظهر بود و من هم در محل حاضر بودم که یکدفعه دیدم یك نیسان آبی با سرعت بالا در حال عبور از بلوار است. نیسان خیلی عادی از کنار پرچمدار اول عبور کرد، اما وقتی داشت به پرچمدار دوم نزدیك می‌شد ناگهان فرمان را به سمت کارگران ما گرفت و با شدت به پرچمدار دوم برخورد و او را پرتاب کرد. راننده با همان سرعت خود مشغول راندن در مسیر بود و نه تنها ترمز نکرد، بلکه حتی سرعتش را هم کم نکرد. برای همین به پرچمدار سوم هم برخورد کرد و مامور ما زیر چرخ‌های ماشین او گیر افتاده بود و کمی جلوتر ماشین متوقف شد.» گویا هیچ چیز جز لحظه به خواب رفتن راننده نمی‌توانست این حادثه چند لحظه‌ای که جان دو انسان را گرفت، توجیه کند. فرجی که شاهد مرگ دو نفر از همکاران خود بوده و این روزها حال خوشی ندارد، در ادامه گفت: «خیلی سریع با اورژانس تماس گرفتیم اما دیگر فایده‌ای نداشت و هر دو مامور بر اثر شدت ضربه جان خودشان را از دست داده بودند. راننده نیسان هم هنگام ترمز با شدت به فرمان ماشین خودش کوبیده شده و دندان‌هایش شکسته بود و صورتش غرق در خون بود. برای همین او را به بیمارستان منتقل کردند. یك سگ با جثه بزرگ هم در کنار او نشسته بود که در اثر شدت ضربه مرد.» پلیس و کارشناسان راهنمایی و رانندگی در محل حضور پیدا کردند و رسیدگی قضایی به پرونده آغاز شد. در همان لحظات اولیه رسیدگی به پرونده، افسر راهنمایی و رانندگی راننده نیسان را مقصر صددرصد سانحه تصادف تشخیص داد. اما فردای آن روز زمانی که گزارش با تایید نهایی کارشناس راهنمایی و رانندگی ضمیمه پرونده شد، متوجه شدیم که راننده را مقصر ۵۰درصدی دانسته و پیمانکار را هم ۵۰درصد مقصر تشخیص دادند. علت این نظریه کارشناسی هم این است که می‌گویند پیمانکار باید با پلیس راه هماهنگ می‌کرد؛ با این‌که در همدان هیچ‌وقت با پلیس راه هماهنگ نمی‌شود، چون عملیات داخل شهر بود نه بیرون شهر و به هر حال ما به نظر کارشناس اعتراض داریم.»

فرجی در ادامه گفت: «یکی از ماموران، جوان ۲۹ساله‌ای به نام مرتضی قلعه بود که خانواده‌اش ساکن یکی از روستاهای ملایر هستند. مرتضی تازه‌داماد بود و هنوز صاحب فرزند نشده بود، اما مامور دیگر از کارکنان باسابقه شهرداری بود. محمد اقبالی ۴۵ ساله بود که چند سالی تا بازنشستگی بیشتر راه نداشت.» برادر محمد اقبالی که این روزها درگیر برگزاری مراسم عزاداری برادرش است در گفت‌وگو با جام‌جم اظهار کرد: «اهل یکی از روستاهای بیجار هستیم، اما چند سالی می‌شود که ساکن همدان شده‌ایم. برادر مرحومم چهار دختر دارد که دو کودك شش ساله او دو قلو هستند و در غم پدرشان بی‌تابی می‌کنند. باورش سخت است که امسال در لحظه تحویل سال به جای محمد، عکس قاب گرفته او را در کنار هفت‌سین خواهیم داشت.»

پس از قتل در ایران و فرار از کشور

قوی‌ترین مرد ایران بادیگارد خواننده معروف شد

پرونده یکی از قوی‌ترین مردان ایران که به اتهام قتل مرد جوانی از هشت سال پیش متواری است، به اتهام مباشرت در قتل عمدی جلب دادرسی غیابی صادر شد. آخرین تحقیقات پلیس بین‌الملل نشان می‌دهد که او یکی از بادیگاردهای خواننده معروف عرب‌زبان است.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، هفتم اردیبهشت سال ۹۰ بود که وقوع درگیری خونینی در خیابان جنت‌آباد در کنار یك باشگاه بدنسازی به پلیس پایتخت گزارش شد. زمانی که ماموران در آنجا حاضر شدند؛ معلوم شد مرد جوانی در آنجا با ضربه‌های شمشیر ساموراییِ زخمی شده و بعد از انتقال به بیمارستان فوت کرده است. در جریان تحقیقات پلیسی معلوم شد که درگیری میان مقتول و دو نفر از دوستانش با مردی جوان به نام امیر و برادر او بوده که از قوی‌ترین مردان ایران هستند. همچنین معلوم شد این درگیری مرگبار بر سر اختلاف مالی رخ داده و در این درگیری چهار انگشت یکی از افراد قطع شده و او اکنون در بیمارستان بستری است. با مرگ مرد جوان، پرونده‌ای در شعبه چهارم بازپرسی دادسرای جنایی تهران تشکیل شد و تحقیقات برای دستگیری دو متهم فراری که با هم برادر بودند ادامه پیدا کرد.

ماموران در شاخه دیگری از تحقیقات پی بردند که متهم به قتل فراری بر سر مبلغ سه میلیون تومان پول با مرد کشته شده مشکل پیدا کرده و بر سر همین مساله چند بار با هم مشاجره لفظی داشتند. حتی یك بار هم او به قصد تسویه‌حساب جلوی خانه مقتول رفته که با میانجیگری خانواده مقتول ماجرا پایان یافته است. در ادامه روز جنایت، مقتول و دوستانش با دو برادر روبه‌رو شده و این درگیری رقم خورد. در ادامه تحقیقات برادر متهم به قتل فراری شناسایی و بازداشت شد. او در تحقیقات گفته بود که برادرش امیر دست به این جنایت زده است.

پلیس همچنان در جست‌وجوی متهم به قتل فراری بود که معلوم شد وی با هویت جعلی و غیرقانونی توانسته از خاك ایران خارج شده و به ترکیه برود. با مشخص شدن این موضوع با اعلان قرمز، او تحت تعقیب پلیس بین‌الملل قرار گرفت، اما متهم فراری هر بار با هویت‌های جعلی به کشورهای یونان و اروپایی در رفت و آمد بود و این کار دستگیری او را با مشکل روبه‌رو کرده بود. سرانجام با گذشت هشت سال از این جنایت، چند روز پیش پلیس بین‌الملل باخبر شد که او به عنوان یکی از بادیگاردهای یك خواننده زن معروف عرب‌زبان درآمده است. با توجه به این‌که پلیس تاکنون موفق نشده این متهم به قتل فراری را بازداشت کند، پرونده او به اتهام مباشرت در قتل عمدی به طور غیابی با صدور جلب دادرسی از سوی محمدتقی شعبانی، بازپرس شعبه ۴ دادسرای جنایی تهران صادر و به‌زودی برای محاکمه غیابی به دادگاه کیفری یك استان تهران در حالی ارسال خواهد شد که سه برادر این متهم به قتل فراری که مشخص شد در ماجرا نقشی نداشته‌اند، تبرئه شدند.

مرد خشن پس از قتل از مسیر ترکیه گریخت و بادیگارد زن عرب شد

گفت‌وگو با قاتل شیشه‌ای که مادرش را کشت

مادرم را شبیه شیطان می‌دیدم!

مرد میانسالی که به اتهام قتل مادرش در بازداشت به سر می‌برد دیروز در جریان تحقیقات قضایی مدعی شد بعد از قتل مادرش، هر فردی را که در خیابان می‌دیده گمان می‌کرده شیاطین بوده و قصد جانش را دارند.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، مهرداد مرد میانسال شیشه‌ای است که در جریان درگیری با مادرش و برای این‌که دوباره برای بستری شدن در کمپ نرود، او را با ضربه‌های چاقو در خانه‌شان در محله خانی‌آبادنو، عصر سی‌ام بهمن امسال به قتل رساند و ساعاتی بعد در بوستانی در همان حوالی بازداشت شد.

متهم دیروز از اداره دهم پلیس آگاهی تهران برای ادامه تحقیقات نزد مصطفی واحدی، بازپرس شعبه ۱۱ دادسرای جنایی تهران منتقل شد و گفت: «مادرم را کشته‌ام، اما یادم نمی‌آید که با ضربه‌های مشتم او به قتل رسید یا با ضربه‌های چاقو. می‌دانم او می‌خواست مرا دوباره به کمپ بفرستد و آن شب او را دوباره به چشم یك شیطان دیدم که انگار می‌خواست مرا به قتل برساند، بنابراین برای دفاع از خودم او را کشتم و بعد هم که دستگیر شدم.»

متهم برای ادامه تحقیقات به اداره دهم پلیس آگاهی تهران بازگشت. این در حالی است که اگر سلامت روانی متهم تایید شود او به اتهام قتل محاکمه خواهد شد. در غیر این صورت باید در مرکز روانی بستری شود.

مرد میانسال از زور خماری نمی‌توانست روی پاهای خودش بایستد و مدام می‌گفت، «مرا از دست شیطان‌های اطرافم خلاص کنید و به جایی دور ببرید و پنهان کنید و اگر خواستید خلاصم کنید. من مادرم را کشتم و شیطان‌های دیگر در جست‌وجوی من هستند و می‌ترسم به دست آنها خلاص شوم.» گفت‌وگوی جام‌جم با این قاتل را در ادامه می‌خوانید.

پیش از این مادرت را تهدید کرده بودی؟

چند وقت پیش وقتی شیشه مصرف کرده بودم، او را به چشم یك شیطان دیدم که انگار می‌خواست مرا بکشد، قصد جانش را کردم اما او با من درگیر شد و بعد از آن‌که مرا کتك زد، توانست از دستم خلاص شود. همیشه از او می‌ترسیدم و مراقب بودم که جانم را نگیرد.

از شب جنایت بگو.

شش روز بود که تازه از کمپ به خانه مادرم بازگشته بودم اما از آن موقع درگیری‌مان ادامه داشت و می‌خواست به زور مرا به کمپ بفرستد. چهره مادرم شیطان شده و می‌خواست مرا بکشد. در حال مخفی کردن وسایلم در حمام بودم که با چاقو و سنگ پا وارد شد و به من حمله کرد. او شیطان شده بود و در تلاش برای دفاع از خودم بودم که با مشت ضربه‌هایی به او زدم. نمی‌دانم با چاقو او را زدم یا نه؟ اما صدا به من می‌گفت شیطان را بکش.

بعد از قتل فرار کردی؟

اول قصد داشتم جسدش را در یخچال مخفی کنم اما جا نشد. ناگهان صدای همسایه‌ها را شنیدم که ترسیدم و فرار کردم. در خیابان سرگردان بودم و با پولی که داشتم شیشه خریدم و مصرف کردم. همین طور گیج و منگ در خیابان‌ها بودم، هر فردی که در خیابان می‌دیدم و سمتم می‌آمد انگار شیطان بود که می‌خواست مرا بکشد. با چاقو آنها را تهدید می‌کردم و آب دهانم را روی صورت‌هایشان می‌انداختم که شیطان‌ها از من دور شوند.

قتل شاگرد خیاطی در دوئل عشقی

پسر جوان که برسر یك دوئل عشقی با شاگرد خیاطی در مسعودیه تهران، او را با قمه به قتل رسانده بود تحت تعقیب پلیس قرار گرفت.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، ساعت ۱۸ و ۳۰ دقیقه جمعه دوم اسفند امسال یکی از ماموران کلانتری مسعودیه با رحیم دشتبان، بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی تهران تماس گرفت و او را در جریان درگیری مرگباری در یکی از کوچه‌های محله مسعودیه قرار داد. زمانی که بازپرس جنایی و تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت در محل حاضر شدند، مشاهده کردند پسر ۲۷ساله‌ای براثر ضربه چاقویی که به گردنش اصابت کرده، به‌شدت زخمی شده و بعد از انتقال به بیمارستان به دلیل شدت خونریزی فوت کرده است. با دستور بازپرس جنایی، تحقیقات برای رازگشایی از این جنایت آغاز شد. در این مرحله ماموران به تحقیق از اهالی که شاهدان جنایت بودند پرداختند که یکی از آنها در جریان تحقیقات گفت: «من در مغازه‌ام بودم که صدای داد و فریاد شنیدم، وقتی برای بررسی ماجرا از مغازه خارج شده و به خیابان آمدم با صحنه عجیبی روبه‌رو شدم. سه مرد جوان که سرنشینان موتورسیکلتی بودند را دیدم که یکی از آنها از ترك موتور پیاده شد، در حالی که کمربندی در دستش بود، به سمت مرد جوانی رفت که به محل آمده بود. او ضربه‌هایی با کمربند به پسر جوان زد که او نیز با قمه‌ای که به دست داشت به سمت طرف مقابل حمله‌ور شد و با آن ضربه‌ای به گردن وی زد که جوان زخمی کف خیابان افتاد. اهالی فرد زخمی را به بیمارستان رساندند، اما بر اثر شدت جراحات فوت شد. در جریان آن دعوا شنیدم درباره یك دختر جوان با هم حرف می‌زدند.»

در جریان تحقیقات بعدی پلیسی معلوم شد مقتول شاگرد یك مغازه خیاطی بوده و به دختری علاقه‌مند بوده که عامل جنایت نیز به همان دختر علاقه‌مند بوده و به همین خاطر شاگرد خیاطی را برای دوئل عشقی به محل قرار کشانده و سرانجام او را به قتل رسانده است.

چهره فرضی قاتل فراری به دست آمده و جست‌وجو برای دستگیری او در حالی ادامه دارد که قرار شد دوستان و دختر مورد علاقه پسر کشته شده نیز شناسایی و از آنها تحقیق شود.

نجات ۷ کودك گمشده در کوهستان

هفت کودك گمشده در کوه‌های کرمان با تلاش امدادگران هلال احمر نجات یافتند.

رضا فلاح، مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان کرمان به ایرنا گفت: این هفت کودك دو روز پیش از مسیر شماره یك کوه‌های مسجد صاحب‌الزمان شروع به پیمایش می‌کنند که در زمان برگشت مسیر خود را تغییر می‌دهند و از راه اصلی خارج و به دلیل ناآشنا بودن منطقه، دیواره‌های بلند را برای بازگشت انتخاب می‌کنند و گرفتار می‌شوند.

وی افزود: امدادگران هلال احمر و تیم‌های امداد و نجات کوهستان برای نجات کودکان پسر گمشده آغاز شد. با توجه به صعب‌العبور بودن منطقه و تاریکی هوا نجاتگران با برپایی سه مرحله کارگاه نجات موفق شدند این هفت کودك زیر ۱۳ سال را در کوه‌های صاحب‌الزمان کرمان شناسایی کرده و نجات دهند. آنها در ادامه نزد خانواده‌هایشان بازگشتند.

تلنگر

مرگ خاموش برادر در خانه

مردی ۵۵ ساله در روستای «طراران» شهرستان تفرش بر اثر گازگرفتگی فوت شد و برادرش از مرگ نجات یافت.

سرهنگ محمود خلجی، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان مرکزی به سایت پلیس گفت: گزارش یك مورد گازگرفتگی منجر به فوت در خانه‌ای در روستای طراران شهرستان تفرش به پلیس گزارش شد. زمانی که ماموران در آنجا حاضر شدند، پی بردند که مردی حدود ۵۵ ساله بر اثر گازگرفتگی فوت و برادر دیگر او مسموم شده که در بیمارستان بستری شد.

یك کشته و ۲ مصدوم در ریزش کوه

فرمانده انتظامی شهرستان دماوند از مرگ یك نفر و مصدومیت دو نفر بر اثر ریزش کوه در محور هراز محدوده شهر آبعلی خبر داد.

سرهنگ محمدحسن محمدی به سایت پلیس گفت: فردی با پلیس تماس گرفت و اطلاع داد که کوه در محور هراز محدوده آبعلی ریزش کرده و روی یك دستگاه خودروی سواری پراید افتاده است. ماموران برای بررسی ماجرا در حالی در آنجا حاضر شدند که امدادگران اورژانس و هلال احمر به آنجا آمده و در حال امدادرسانی بودند.

وی افزود: بررسی‌ها نشان می‌داد این خودروی پراید چهار سرنشین داشته که هنگام عبور از این جاده کوه ریزش کرده و روی خودروی آنها افتاده است. این در حالی بود که یکی از سرنشینان کشته شد، دو نفر دیگر که مصدوم بودند در بیمارستان بستری شدند و راننده نیز آسیب ندید.

گازگرفتگی مرگبار در معدن

یکی از برداشت‌کنندگان غیرمجاز معدن آلبلاغ اسفراین، دچار گازگرفتگی شد و فوت کرد.

طاهر رستمی، فرماندار اسفراین به ایرنا گفت: براساس اطلاعات اولیه، استنشاق گاز حاصل از وسایل گرمایش در چادر نصب شده در این معدن، منجر به فوت این فرد شده است. در جریان تحقیقات معلوم شد که این فرد یکی از برداشت‌کنندگان غیرمجاز معدن بوده است.

مرگ ۶ دانش‌آموز در اردو

امواج ناشی ازجزرومد دراستان یوگیاکارتای کشور اندونزی منجر به کشته شدن شش دانش‌آموز و ناپدید شدن پنج دانش‌آموز دیگر در اردو شد.

به گزارش ایسنا، حدود ۲۵۰ دانش‌آموز دبیرستانی اندونزیایی در این اردوی دانش‌آموزی که در کنار یك رودخانه برگزار شده بود، حضور داشتند که تشکیل امواج شدید منجر به غرق شدن آنها شد. این اردو در حوالی رودخانه سمپور اندونزی برگزار شده بود. در این حادثه علاوه بر کشته شدن شش دانش آموز و ناپدید شدن پنج دانش‌آموزدیگر، شش نفر دیگر نیز دچار مجروحیت‌های جزئی شدند.

طبق اعلام مقامات اندونزی، نیروهای مشترك پلیس، سازمان امداد و نجات و ارتش برای شرکت در عملیات جست‌وجو و نجات به محل حادثه اعزام شده‌اند.